



قال الله تبارک و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

شرح دعای بعد از نماز چهار رکعتی شب نیمه شعبان

شناسنامه مطلب	
t-401	کد مطلب
تزکیه‌ای / مباحث معرفتی / مناسبتها / شعبان	رده
شب نیمه شعبان، دعای نماز مستحبی، فقر ذاتی، اسم عبودیت، پناهندگی به جمال الهی، آیت الله سعادت پرور (ره)	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

آیت الله سعادت پرور (ره) در کتاب نور هدایت، در این دعای مختصر و شریف به مباحثی همچون فقر ذاتی و پناهندگی بشر به حق تعالی، تقاضای قبول اظهار فقر و بندگی از خداوند، اسم عبودیت، تقاضای سهولت در امتحان الهی، پناهندگی به جمال از جلال و ستایش حق تعالی یعنی مقام مخصوص مخلصین اشاره می‌کنند:

این دعا، در عین کوتاهی بعد از چهار رکعت نمازی که در هر رکعت بعد از حمد قرائت صد مرتبه سوره توحید ذکر شده، اگر دقت تمام در خصوصیات نماز و دعای بعد از آن شود، خواهیم دید با ذکر سوره حمد، گویا می‌خواهد خواننده را از بای بسم الله تا پایان، توجه به فطرت توحیدی و گویای اقرار به خصوصیات آن بنماید و با ذکر سوره توحید، می‌خواهند او را از این توجه که اثینیت در آن مفروض است نیز جدا کنند و به حقیقتی که جز حق و کمالات ذاتیش نمی‌باشد، دعوت نمایند؛ زیرا خداوند می‌فرماید بگو: **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** ... این جاست که جا دارد دعای ذیل آن نماز با توجه به بیانی که نمودیم نیز رسیدگی شود می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ، إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ، وَبِكَ مُسْتَجِيرٌ.»^۱

خدایا، من به درگاه تو اظهار نیاز می‌کنم و از عذاب تو بیمناکم و به تو پناه آورده‌ام.

این سه جمله، بشر مؤمن را به فقر ذاتی وی به تمام معنی و در سیطره اسم جلال او سبحانه قرار داشتن و پناهندگی‌اش به تمام معنی به حق سبحانه توجه می‌دهد. خداوند نیز می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^۲

ای مردم، شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است.

۱- اقبال الاعمال، ص ۶۹۵.

۲- سوره فاطر، آیه ۱۵.

- وَ لِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ* يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^۱

و آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین از جنبندگان و فرشتگان است، برای خدا سجده می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند، از پروردگارشان که حاکم بر آن‌هاست می‌ترسند، و آن چه را مأمورند، انجام می‌دهند.

- إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا... إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا^۲

همانا نیکان از جامی نوشند که آمیزه‌ای از کافور دارد، ... ما از پروردگارمان از روز عبوسی سخت هراسناکیم.

- قُلْ مَنْ يَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^۳

بگو: «فرمانروایی هر چیزی به دست کیست؟ و اگر می‌دانید [کیست آن که] او پناه می‌دهد و در پناه کسی نمی‌رود؟

بنابراین می‌توان گفت دعا، در مقام اظهار بیان معنای بلندی است، واللّٰه تعالیٰ يعلم.

«رَبِّ لَا تُبَدِّلْ اسْمِي، وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي.»^۴

پروردگارا، نام مرا تغییر مده و تتم را دگرگون مساز.

۱- سوره نحل، آیات ۴۹ و ۵۰.

۲- سوره انسان، آیات ۵ و ۱۰.

۳- سوره مؤنون، آیه ۸۸.

۴- اقبال الاعمال، ص ۶۹۵.

محتمل است مراد از تبدیل اسمی، تبدیل اسم از فقیر (که امام - علیه السلام - خود فرموده: «اللَّهُمَّ، إِلَيْكَ فَقِيرٌ»)، باشد و تقاضا می‌نماید که: «خداوندا! من خویش را در پیشگاهت چنین می‌بینم، به این سِمَتِم بپذیر.» در دعا آمده است:

«إِلَهِي! أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي؟»^۱

معبودا، در عین توانگری نیازمندم، چگونه در عین مستمندی، فقیر نباشم؟

ممکن است مراد از جمله اول: «لَا تُبَدِّلِ اسْمِي»، اسم عبودیت باشد که انبیا و اولیا - علیهم السلام - و رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - و اوصیایش، به این سِمَت افتخار می‌کنند.

خداوند متعال در قرآن شریف نیز در موارد زیادی آنان را عبد می‌خواند. امیرالمؤمنین - علیه السلام - می‌فرماید:

«إِلَهِي! كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَ كَفَى بِي فَخْرًا، أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا، إِلَهِي! أَنْتَ لِي كَمَا أَحِبُّ فَوْقَنِي لِمَا تُحِبُّ.»^۲

معبودا! همین عزّت و بزرگواری مرا بس که بنده‌ی تو باشم و این فخر و بالندگی مرا کفایت می‌کند که تو پروردگارم باشی. تو چنان هستی که من دوست دارم مرا نیز آن چنان که دوستم می‌داری بگردان.

گویا حسین بن علی - علیهما السلام - با بیان جمله: «لَا تُبَدِّلِ اسْمِي» می‌فرماید: خداوندا! مرا به نام عبد بخوان و به نام‌های دیگر که رو برگردانندگان از عبودیت را می‌خوانی:

«مشرک، کافر، ظالم، منافق و غیره» بخوان.

و اما جمله‌ی دوّم: «وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي»، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

در پاسخ باید گفت: بشر - به خصوص شخص مؤمن - تا در عالم جسمانیّت و این جهان زندگی می‌کند، ناچار است برای دست یافتن به غرض غایی از خلقت و یا نتایج ظاهری و معنوی و اخروی، از سلامتی و

۱- اقبال الاعمال، ص ۳۴۸.

۲- بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۹۴.

صحت بدن عنصری خویش بهره‌مند شود و اگر ضعف و یا کسالت‌های جسمی و غیره به وی عارض شود، نخواهند توانست از عبادات خالصانه و با خشوع و توجه کامل روحی خویش بهره‌مند گردند، شاید تقاضای دعا به جهت نیل به چنان معنای روحانی باشد، لذا فرموده شده: «لَا تُغَيِّرُ جِسْمِي» فرموده نشده (چون جمله گذشته) «لَا تُبَدِّلُ جِسْمِي»؛ زیرا اگر تبدل فرموده شده بود، ممکن بود به معنای صورت تمثلی بعد از این عالم (که در قیامت، اشخاص به صورت اخلاق‌های ناپسندیده‌شان ظاهر می‌شوند) معنا نمود.

«رَبِّ لَا تُجْهِدْ بِلَانِي، رَبِّ لَا تُثْمِتْ بِي أَغْدَانِي.»^۱

پروردگارا، مرا به بلای طاقت فرسا دچار مساز. پروردگارا، مرا دشمن شاد مگردان.

شاید جمله‌ی اوّل در مقام این باشد، که: «آزمایش مرا سخت قرار مده»، نه این که بفرماید:

«امتحانم مکن.»؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ^۲

آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟

بشر به طور عموم به حساب ضعف عالم بشریت، تاب و طاقت امتحان‌های دشوار الهی را ندارد؛ مگر این که جنبه روحانیت آنان (چون انبیا و اوصیا - علیهم‌السلام-)، بر جنبه جسمانیّتشان غلبه داشته باشد. در عین حال، از آیات زیادی هم‌چون آیه گذشته استفاده می‌شود که خداوند ابتلاء و امتحان را برای همه دارد و می‌فرماید:

- وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ^۳

۱- اقبال الاعمال، ص ۶۹۵.

۲- سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۲.

۳- سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۳۱.

و البته شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را بازشناسانیم و گزارش‌های [مربوط به] شما را رسیدگی کنیم.

- حَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^۱

مرگ و زندگی را پدیدآورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید.
و آیات دیگر.

و اما درباره‌ی جمله‌ی «وَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءِ» می‌توان گفت: بعید نیست این جمله، در تعقیب جمله‌ی اوّل: «وَلَا تُجْهِدْ بِلَايَ» و تتمیم آن جمله باشد و بفرماید: اگر ابتلای مرا سخت‌گیری و من از تحمل آن بازمانم، دشمنانم مرا سرزنش خواهند کرد. حضرت موسی - علیه‌السلام - در بازگشتش به قومش و مشکلاتی که برایش پیش آورده شده بود به پسر مادرش [برادرش] فرمود:

قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْنِ الْقَوْمِ اسْتَضَعْفُونِي وَ كَادُوا يَفْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلَنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^۲

ای فرزند مادرم، این قوم، مرا ناتوان یافتند و چیزی نمانده بود که مرا بکشند، پس مرا دشمن شاد مکن و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده.

لذا می‌توان گفت بیان دعا، درخواست سخت قرار نگرفتن ابتلاء و امتحان بنده از سوی بنده است.

«أَعُوذُ بِعَفْوِكَ عَنْ عِقَابِكَ، وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ.»^۳

از کیفر تو به بخششت و از عذاب تو به رحمتت و از ناخشنودی و خشم تو به خشنودی‌ات و از تو به تو پناه می‌برم.

۱- سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۲.

۲- سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۵۰. سزاوار است از آیه‌ی ۱۴۷ ملاحظه شود.

۳- اقبال الاعمال، ص ۶۹۵.

امام- علیه‌السلام- در واقع در سه جمله اول، پناهنده به صفت جمال حق سبحانه از جلالش شده است، اگرچه تعبیرات هر کدام (به حساب خاصی که در رفتار و عنایت‌های خاص الهی است)، متفاوت آمده است. دلیل بر این که پناهندگی به جمال از جلال می‌باشد، جمله آخر است که می‌فرماید- علیه‌السلام-: «أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ» زیرا جمال و جلال، هر دو از او سبحانه است. خداوند می‌فرماید:

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۱

بدانید که خدا سخت کیفر است و [بدانید] که خدا، آمرزنده مهربان است.

إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ^۲

به راستی که پروردگار تو دارای آمرزش و دارنده‌ی کیفری پر درد است.

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ^۳

هر که را بخواهد، عذاب و هر که را بخواهد، رحمت می‌کند و به سوی او بازگردانیده می‌شوید.

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنَّ يَشَاءُ يَرْحَمُكُمْ أَوْ إِنَّ يَشَاءُ يُعَذِّبُكُمْ^۴

پروردگار شما به [حال] شما داناتر است، اگر بخواهد بر شما رحمت می‌آورد، یا اگر بخواهد شما را عذاب می‌کند.

أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ^۵

آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می‌کند، چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است؟ و چه بد بازگشتگاهی است.

۱- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۹۸.

۲- سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۴۳.

۳- سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۲۱.

۴- سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۵۴.

۵- سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۲.

«جَلَّ ثَنَّاكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ، وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ فِيكَ.»^۱

ستایش تو والا است و آن چنانی که خود، خود را ستوده‌ای و برتر از سخن گویندگان و توصیف کنندگانت هستی.

به نظر می‌رسد بخش فوق «أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ»، اشاره به ثنا و مدحی باشد که خداوند متعال خود را در قرائت چهار رکعت نماز در سوره حمد، فاتحة الكتاب و چهارصد مرتبه قل هو الله احد در سوره توحید نموده، چرا که محدودی چون بشر و جن و ملائکه و تمام صاحبان شعور، اگر توصیف حضرت حق سبحانه را کنند، به حدّ خود می‌کنند؛ نه آن‌گونه که او سبحانه است و غیر محدود در تمام کمالات می‌باشد. تنها آنان که در مقام مخلصیت قرار دارند، می‌توانند او سبحانه را بستانند و خداوند متعال نیز توصیف آنان را مورد قبول قرار داده و می‌فرماید:

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ^۲

خدا منزّه است از آن چه در وصف می‌آورند، به استثنای بندگان پاکدل خدا.

منبع: نور هدایت، ج ۵، ص: ۲۷۶

نرم افزار گنج سعادت، پایگاه کامپیوتری علوم اسلامی نور

۱- اقبال الاعمال، ص ۶۹۵.

۲- سوره‌ی صافات، آیات ۱۵۹ و ۱۶۰.